

## بسم الله الرحمن الرحيم

### کوثر قرآن

گفتار و نوشتار ، هرچه بلند و پر معنا و نغز و رسا باشد ، توان معرفی شخصیتی که اصلش از عالم ملکوت و شاخ و برگش در جهان ناسوت گسترده است را ندارد ؛ زیرا کلام ، حقیقتی این سویی و موجود ملکوتی آن سویی است و لذا قرآن چهره دنیایی خود را از دریچه کلام ، توصیف می کند ، لیکن سیمای لوح محفوظی او لفظ و کلام نمی شناسد.

وقتی سخن از موجودی است که زهره سماء و زهرای زمین است<sup>۱</sup> ، وجودی که عرش و فرش ، فرش هستی اوست و چهره ای که ثمره نتیجه هستی است<sup>۲</sup> ، قلم سرافکننده و از ناوک او عرق خجلت بر صفحه کاغذ می نشیند و زبان ، الکن و تنها شیون و ناله آخرس را دارد. ولادت شخصیتی که به عنوان کوثر به حبیب خدا رسول اکرم ( صلی الله علیه و آله و سلم ) عطا شده<sup>۳</sup> بر جهان امکان پرمیمت باد.

بیایم قدمگاه وجودش را سجده گاه عشق و رایحه دلنواز هستی اش را بشارت رضوان الله بدانیم ؛ « إذا اشتقت إلى الجنة شممت رائحة فاطمة »<sup>۴</sup> و به مقدار توان ، کوثر وجودش را در طرف هستی خود مالامال گردانیم ؛ زهرایی که در سیر عشق به پروردگارش سبقت گرفته ؛ بلکه الگوی همه عاشقان شده.

۱. لذت طاعت و حلاوت خدمت الهی ، مگر خدای در کام جانش نشانده که هرگز به چیز دیگر نمی اندیشد و تنها با نگرستن به چهره کرامت و خیره شدن به سیمای عظمت الهی ، خود را زنده می دارد : « شغلتنی عن مسئلته لذّة خدمته ؛ لا حاجة لی غیر النظر إلى وجهه الکریم » .

ایزد پرستان را نظر بر ماسوا نیست \* \* \* \* خورشید رویان را به ذرات اعتنا نیست

۱ - بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۷ ؛ « ... خلق نور فاطمة الزهراء يومئذ كالتنديل و علقه في قرط العرش فزهرت السماوات السبع و الأرضون السبع من أجل ذلك سميت فاطمة الزهراء » .

۲ - امالی صدوق ، ص ۳۹۳ .

۳ - سوره کوثر ، آیه ۱ ؛ « إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ » .

۴ - علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۲۱۸ ؛ بحار ، ج ۴۳ ، ص ۵ .

او که هیچ چیز جز ذکر محبوب و یاد معشوق نمی تواند وقود عشقش و شعله حُبش را سرد و خنک کند: «یا ربّ لیست من أحد غیرک تثلج بها صدري»<sup>۵</sup>، او که شادی قلبش و سرور نفسش در شعاع فیض ربوبی است و «تسرّ بها نفسی»<sup>۶</sup> او که قرّه عینش و اشک شوقش در پرتو نگاه رحمانی است و «تقرّ بها عینی»<sup>۷</sup> و بالاخره، او که آرامش قلبش و آسایش جانش در توجه به اوست و «یطمئنّ بها قلبی»<sup>۸</sup>، او زهراست.

۲. اگر در صحنه سلامت نفس و صیانت روح او را بنگری، طائر ظاهر وجودش سبکبال از هرچه بدی و پرتو آن از هرچه نیکی در آسمان پر ستاره فضیلت به پرواز درآمده و ندا در می دهد: «اللهم انزع العجب و الرياء و الکبر و البغی و الحسد و الضعف و الشکّ و الوهن و الضرّ و الأسقام و الخذلان و المکر و الخدیعة و البلیة و الفساد من سمعی و بصری و جمیع جوارحی و خذ بناصیتی إلی ما تحبّ و ترضی»<sup>۹</sup>، او از آفریدگارش مسئلت می کند تا همه ارجاس نفسانی و ارجاز جسمانی را از او دور دارد و زمام هستی و ناصیه وجودش را به سمتی بکشاند که رضای او در آن است.

۳. اگر در میدان علم و آگاهی او را بجویی، به گونه ای خواهی یافت که حقیقت علم در آسمان هستی او همانند ستاره ای فروزان، فروغی ویژه دارد و آنچه را در گذشته ازلی و آینده ابدی و حال جاری تحقّق دارد، در جلو دیدگان او سان دیده گذر می کند: «نادت [فاطمة]: أدن [یا أبا الحسن] لأحدّک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن إلی یوم القیامة حین تقوم الساعة»<sup>۱۰</sup>.

او تعلّم همه آنچه را از طریق وحی نبوی می شنید، مشتاقانه فرا گرفته و تمام همّ خود را در حفظ و نگهداری آن علوم آسمانی به کار می برد و هیچ چیزی را برابر و معادل آن نمی دانست

<sup>۵</sup> - ذکر تعقیب نماز ظهر؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۷.

<sup>۶</sup> - ذکر تعقیب نماز ظهر؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۷.

<sup>۷</sup> - ذکر تعقیب نماز ظهر؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۷.

<sup>۸</sup> - ذکر تعقیب نماز ظهر؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۷.

<sup>۹</sup> - بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۶.

<sup>۱۰</sup> - عیون المعجزات، ص ۵۴؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸.

؛ حتی حاضر بود از دو فرزندش ، حسنین بگذرد ؛ لیکن از آن کلام سماوی و ندای ملکوتی دست بر ندارد ... « فَإِنَّهَا تَعْدِلُ عَنِّي حَسَنًا وَحُسَيْنًا »<sup>۱۱</sup>.

او در مقام تعلیم و آموزش علوم الهی و حقایق دینی ، هرگز خستگی به خود راه نمی داد ؛ بلکه شوق پاداش تعلیم و صواب آموزش آن چنان او را به خود مشغول می داشت که ضربات خستگی و لطمات رنج و ناراحتی ، کمترین آسیبی به پیکره روح راسخ او وارد نمی ساخت : « فَقَالَتْ : إِكْتَرِبْتُ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرِ مِنْ مَلَأَ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا فَأَحْرَى أَنْ لَا يَثْقُلَ عَلَيَّ »<sup>۱۲</sup>.

۴. وقتی او را در سیمای علی ( علیه السلام ) می یافتی ، بهترین مددکار و یار علی در مسیر طاعت الهی بود. از دیدگاه علی بهترین همسر کسی است که نه تنها اجازه ندهد که شوهر در جهت خلاف گام بردارد و از میدان اطاعت الهی بگریزد و نه تنها مانع کمال و عبودیت در مسیر الهی شوهرش نگردد ، بلکه او را در این مسیر سخت یار و مساعد باشد. قال ( علیه السلام ) : « الزهراء نعم العون علی طاعة الله »<sup>۱۳</sup>.

۵. چون یکی از راههای شناخت امور ، شناسایی معادل و همسان است ، برای بازیافت حقیقت و دریافت نفاست زهرا ، تابلوی رسا و آیه کبرای وجود امیرالمؤمنین بهترین راهنماست و لذا رسول اکرم ( صلی الله علیه وآله وسلم ) فرمود : اگر علی ( علیه السلام ) نبود ، زهراء کفو و همتایی نداشت : « لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كَفْوًا عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ آدَمَ فَمِنْ دُونِهِ »<sup>۱۴</sup>.

۶. اگر او را در یکی از عالی ترین چهره ها و برجسته ترین صورتهایش که همانا دفاع از حریم ولایت است بنگری ، مشاهده می کنی دریای وجودش به جوش آمده و موج هستی اش به اوج رسیده ، همه و همه را فدای راه علی و نثار مقام علی ( علیه السلام ) می نماید و می گوید : یا

<sup>۱۱</sup> - دلائل الامامة ، ص ۶۶.

<sup>۱۲</sup> - بحار الانوار ، ج ۲ ، ص ۳.

<sup>۱۳</sup> - الكوكب الدرّی ، ج ۱ ، ص ۱۶۶ ؛ بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۱۷.

<sup>۱۴</sup> - امالی صدوق ، ص ۴۷۴ ، ح ۱۸.

علی! جانم فدای جان تو و نفس من نگاهبان نفس تو باد! : « قالت : روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء »<sup>۱۵</sup>. او وقتی می بیند همسرش را با اکراه به مسجد می برند و به راحتی مقام خلافت را تعدی می نمایند، فریاد بر می آورد : دست از پسر عمویم بردارید و در غیر این صورت با همه وجودم از خدا دادرسی می طلبم و بدون شک، ناقه صالح از من در نزد پروردگار کریم تر نیست و بچه های من از بچه شتر کمتر نیستند : « خَلَوْ عَنِ ابْنِ عَمِّی فَوَالذِّی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ ! لَئِن لَّمْ تَخْلَوْا عَنْهُ لِأَنْشُرَنَّ شَعْرَی و لِأَضَعَنَّ قَمِیصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَی رَأْسِی و لِأُصْرَخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَمَا نَاقَةَ صَالِحٍ بِأَكْرَمٍ عَلَی اللَّهِ مِنِّی و لَا الْفَصِیلَ بِأَكْرَمٍ عَلَی اللَّهِ مِن وُلْدِی »<sup>۱۶</sup>.

۷. چهره زهرا که مظهر عطف رحمانی و رأفت یزدانی است، نسبت به شیعیان و پیروان ولایت که گرد عصیان و غبار طغیان بر سیمای جانشان نشست است، همانند باران رحمتی شست و شوگر ذنوب و رافع کدور است. او همه انبیاء را مشفوع به بکاء طفلان نموده و به عنوان زمینه دریافت غفران، پروردگارش را بدانها سوگند می دهد : « إِلَهَی و سَیِّدِی ! أَسْئَلُکَ بِالَّذِینَ اصْطَفَیْتَهُمْ وَبِکَآءِ وُلْدِی فِی مَفَارِقَتِی أَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاةِ شِیعَتِی و شِیعَةِ ذَرِیَّتِی »<sup>۱۷</sup>، و آنگاه که در صحرای محشر، عده ای زفیر آتش و نفیر نار را می شنوند و فریاد (هل من مزید)<sup>۱۸</sup> جهنم نیز بلند است، اجنحه نجات و بال شفاعت از طرف حضرت زهراء بر سر آنها گسترده می شود که : « إِذَا حَشَرْتَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَشْفَعُ عَصَاةَ النَّبِیِّ »<sup>۱۹</sup>.

۸. وقتی زهرا را در نقش پرهیز از دنیا و میل عقبا می نگری، شهد شیرین رضوان او را از مرداب عَفْنِ طغیان باز می دارد و هرگز رغبتی حتی در حد نظر به دنیا ندارد و گاه که رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وارد منزل شد، فاطمه دستی بر آسیاب و دستی به آفتاب

<sup>۱۵</sup> - الکوکب الدرّی، ج ۱، ص ۱۹۶.

<sup>۱۶</sup> - بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۶.

<sup>۱۷</sup> - ذخائر العقبی، ص ۵۳.

<sup>۱۸</sup> - سوره ق، آیه ۳۰.

<sup>۱۹</sup> - إحقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۲۹.

سیمای حسن داشت. وقتی او را به شوق آخرت دعوت و از میل به دنیا منع می نمود، او با تمام خرسندی حامد نعم و شاکر آلاء الهی بود: «یا بنتاه! تعجلی مرارة الدنيا بحلاوة الآخرة؛ فقالت: یا رسول الله! الحمد لله على نعمائه والشكر لله على آلائه»<sup>۲۰</sup>.

وقتی سلمان به لباس کهنه و مندرس زهرا نظر می کند و انگشت عجب بر دهان و دیدگان شگفتی باز می کند؛ حضرت به وی می فرماید: ما از نصیب مادی خود در این دنیا گذشتیم و به بهره عقبای می نگریم: «یا سلمان إن الله ذخر لنا الثياب و الكراسي ليوم آخر»<sup>۲۱</sup>.

گاه که یاد معاد با دشواری راه و تهیدستی جان به خاطرش می آمد، ابر اضطراب و غمام غصّه بر چهره اش می نشست و روزی که چشم رسول اکرم به این چهره نگران و روی اندوهگین افتاده، فلسفه آن را پرسید، حضرتش عرض کرد: یاد قیامت و عریان بودن مردم در پیشگاه ربوبی، اینگونه مرا پریشان نموده است: «یا أبة ذكرت المحشر و وقوف الناس عراة يوم القيامة»<sup>۲۲</sup>.

گاه دیگری که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلّم) او را اینچنین سرآسیمه و آشفته دید، فرمود: دخترم چگونه ای؟ او در جواب از شدت خوف و زیادتی فاقه و طول اسف نسبت به معاد حکایت کرد: «والله! لقد اشتدّ حزني و اشتدّت فاقتي و طال سقمي»<sup>۲۳</sup>.

۹. آنگاه که در مقام تربیت فرزند قرار می گیرد و می خواهد همانند باغبانی دلسوز، لاله های باغ هستی را آن سان پروراند که شمیم عطر وجودشان جامعه بشری را در اوج عبودیت و نیز معیار عدالت را در میان اجتماع گسترده سازد، آنها را امر به اطاعت الهی و بندگی ربوبی نموده و توصیه می کند همانند پدرشان علی (علیه السلام) بوده که تنها در مقابل پروردگاری که مبدأ قدرت و منشأ عزّت است، سر فرود آورده و هر قدرت غیر الهی را به هیچ انگاشته و با انسانهای کینه توز و دشمن، هرگز طرح دوستی و زمینه رفاقت در نیاندازد:

<sup>۲۰</sup> - بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۶.

<sup>۲۱</sup> - همان، ج ۸، ص ۳۰۳.

<sup>۲۲</sup> - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۵۳.

<sup>۲۳</sup> - همان، ج ۳۸، ص ۱۹.

أشبه أباك يا حسن ! وأخلع عن الحقّ الرسن \* \* \* \* و اعبد إله ذا منن و لا توال ذا الإحن<sup>٢٤</sup>

۱۰. چهره تابناک زهرا در تحمّل مشکلات و پذیرش مصائب ، به حدّی پرصلابت است که گویا کوه وجودش را با بنیانی سُرّبی پی ریزی نموده و هیچ مصیبتی نمی تواند آن را متزلزل و دگرگون سازد ؛ بلکه هرچه این مصائب بر او بیارد ، آن ممتحنه الهی شکوفاتر و درجات قرب الهی او افزون تر می گردد : « یا ممتحنة امتحنک الله الذی خلقک قبل أن یخلقک فوجدک لما امتحنک صابرة ».<sup>٢٥</sup>

خاتمه

آنچه در پایان این خطوط و خاتمه این سطور می توان به یادگار نوشت و در جان سرشت ، اعتقاد به کوثر بودن زهراً و الگو بودن دختر بطحاء است. او نه تنها اسوه زنان و رهبر نسوان است ، بلکه امام مردان و زعیم قاطبه نیکان است.

و چون رضا و غضب دو وصف نیست ، بلکه جامع همه اوصاف انسانی است ، زیرا کار انسانی یا مورد رضای الهی است و یا جای غضب پروردگاری و چون فاطمه مظهر رضای الهی و غضب ربوبی<sup>٢٦</sup> است ، بنابر این تمام اوصاف انسانی با معیار رضا و غضب فاطمه بررسی می شود که اگر عملی از دیدگاه فاطمه ، مظهر رحمانیت الهی ، پسندیده و نیکو بود ، خدا از عمل و صاحب آن راضی و اگر پذیرفته نبود ، خداوند نیز از آن کار و صاحب آن غضب آلوده است.

از این جهت ، او معیار صحت و قبولی و ارزش و بی اعتباری همه عقاید اعمال و کردار است و اگر در روایت آمده است که آنها در قیامت میزان اعمال هستند<sup>٢٧</sup> ، یعنی معیار بودن آنها در صحرای محشر ظاهر می شود ؛ وگرنه آنها هم اکنون معیارند و رضای آنها ملاک حقانیت و غضب آنها میزان بطلان است. امید است به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی و زعامت حکیمانه

<sup>٢٤</sup> - فضائل خمسه ، ج ٣ ، ص ٢١ ؛ بحار الانوار ، ج ٤٣ ، ص ٢٨٦ .

<sup>٢٥</sup> - زیارت حضرت زهراً به إسناد معتبر از امام محمد تقی ( علیه السلام ) ؛ بحار الانوار ، ج ٩٧ ، ص ١٩٤ .

<sup>٢٦</sup> - قال رسول الله ( صلی الله علیه وآله وسلم ) « یا فاطمة إن الله لیغضب لغضبک و یرضی لرضاک » . کشف الغمّة ، ج ١ ، ص ٤٥٨ ؛ بحار الانوار ، ج ٤٣ ، ص ٤٤ .

<sup>٢٧</sup> - بحار الأنوار ، ج ٧ ، ص ٢٥٢ .

رهبر معظم انقلاب و داشتن سرمایه های جاودانی رشادت و شهادت عزیزان این سرزمین و عزت  
حکومت اسلامی بتوانیم نمونه های بشری و ضیوف رحمانی را بهتر شناخته و با توسل به آنها به  
دارالسلام الهی راه بیاییم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته